

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ع. غ
۱۷ می ۲۰۲۰

کارگران و چشم انداز بعد از بحران

ویروس کرونا (کووید ۱۹) همچنان با سرعت در حال گسترش و آلوده کردن کشورها و کشتار است. تعداد مبتلا شدگان و درگذشتگان ناشی از ویروس کرونا؛ نه روزانه بلکه ساعتی بالا می رود. بیشتر شهرهای بزرگ جهان به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده است. میلیونها نفر (ناشی از بیکار شدن) تقاضای کمک های دولتی کرده اند. بیمارستان های کشورهای جهان قریب به اتفاق از کمبود وسایل پزشکی، پزشک، پرستار و کادر درمانی رنج می برند. بیمه ها عملاً بعد از دریافت میلیاردها دالر از جیب مردم جهان؛ پای خود را از کمک به مشتریان پس کشیده و آن را به عهده دولت انداخته اند.

بحران سرمایه داری و بهره برداری سرمایه داری از ویروس کرونا، باعث تعطیلی هزاران واحد تولیدی، کارخانجات، فروشگاهها و غیره شده است که عمدتاً توسط نیروی طبقه کارگر به گردش در می آمد. سرمایه داری عملاً با خواباندن این بخش ها باعث بیکاری میلیون ها کارگر در بخش های تولیدی و خدماتی شده است. ولی در عین حال سرمایه های بزرگ بدون تعطیلی به کار خود ادامه می دهند

طبقه کارگر و شرایط کنونی

در بسیاری از کشورها برای این که مردم در خانه ها بمانند از نیروهای ارتش و پولیس خواسته شده که مقررات را اعمال کنند. با تمام این احوال بیشترین آمارهای مرگ و میر متعلق به بالاترین کشورهای معظم سرمایه داری و امپریالیستی جهان است. این دسته از کشورها به یمن غارت؛ سود و فوق سود از طبقه کارگر کشورهای خود و دیگر کشورهای فقیر و جهان سومی از تکنولوژی و امکانات بسیار وسیعی نسبت به دیگر کشورها برخوردار هستند. تبلیغات آنها در زمینه پیشرفت های اجتماعی گوش فلک را هم کر کرده است. رسانه ها از برتری ها در زمینه های مختلف نسبت به دیگران داد سخن می دهند. اما کرونا به بسیاری از توهمات که در کشورهای مختلف جهان برای تثبیت قدرت در بین مردم دامن زده شده است؛ اگر نگوئیم نقطه پایان ولی ضربات کاری وارد کرده است. بحران سرمایه داری که در قبل از کرونا در حال تشدید شدن بود ناگهان با ورود کرونا شکل علنی به خود گرفت. عملکرد دولت های فقیر و غنی جهان نشان داد سیستم های بهداشتی و ایمنی در این کشورها آنچنان ضعیف است که حتی قادر به تأمین بهداشت

عمومی در کشور های ثروتمند هم نیست. آنها در شرایطی که سالیانه چندین برابر بودجه های بهداشتی این کشورها را خرج اسلحه و ارتش و سازمان های اطلاعاتی و امنیتی در جهت مقابله و سرکوب و رقابت می کنند.

با جست و جو در بین سایت های آماری جهان نمونه های زیر به دست می آید.

هزینه بهداشتی: سایت سازمان همکاری و توسعه اقتصادی * هزینه نظامی: سایت خبرگزاری آنا به نقل از**

مؤسسه تحقیقات نظامی سویدن

کشورها ۲۰۱۸

امریکا- ۹.۴۵۱ سرانه به دالر	*** ۶۶۶ میلیارد دالر
چین - ۷۳۱	*** ۲۵۰
روسیه- ۱.۳۶۹	*** ۶۱.۴
فرانسه - ۴.۴۰۷	*** ۶۳.۸
هند - ۲۶۷	*** ۶۶.۵
المان - ۵.۲۶۷	*** ۴۹.۵
ایران - ؟	*** ۱۳.۲
ایتالیا- ۲۹۵۵	*** ۲۷.۸
اسپانیا- ۳۱۵۳	*** ۱۸.۲

آمار بالا نشان می دهد که ثروتمندترین کشورهای جهان که بیشتر از دیگران در زمینه بهداشت هزینه کرده اند اما بیشترین شیوع ویروس کرونا و مرگ و میر ناشی از آن را دارند. امریکا بالاترین هزینه و بیشترین مرگ و میر و مبتلایان را دارد. کشورهای فقیر جهان به ویژه برخی از کشورهای آفریقائی دارای سیستم آماری نیستند. اسپانیا و ایتالیا هم که در رده های ۲ و ۳ جدول ویروس کرونا ایستاده اند با این که نسبت به دیگر کشورهای جهان هزینه بهداشت سرانه بالائی دارد ولی از ضعف چشمگیری در مقابله با کرونا برخوردار بودند. با فرض این که این آمار ۸۰ درصد به واقعیت نزدیک باشد؛ حاکی از آن است که کنترل بهداشت در کشورهای جهان فقط به مقدار بودجه بستگی نداشته و عوامل سیاسی و زیست محیطی و ساختارهای اجتماعی در آن دخیل هستند. آمار بالا در عین حال نشان دهنده این است که کشورهای معظم و قدرتمند سرمایه داری قادر به رسیدگی و حل مشکلات اساسی نبوده و به علت این که تأمین حداکثر سود در سیاست و عملکردهایشان نقش اصلی را بازی می کند، این بودجه ها فقط ارقامی برای فریب توده ها هستند و در راه های دیگر خرج شده اند و یا بوروکراسی دولتی بودجه بهداشت را در درون خود می بلعد و درصد بسیار کمتری به طور حقیقی به مصرف بهداشت عمومی می رساند.

مردم این کشورها از دولت های خود می پرسند که مدتها پیش حداقل یک تا دو ماه از اخبار شیوع ویروس در چین گذشته بود با این حال چرا دولت ها قبل از شیوع گسترده این بیماری اقدام به پیشگیری نکرده و اعلام قرنطینه عمومی را به عقب انداخته و اقدامات لازم را در جهت حفاظت مردم به عمل نیاورده اند. چه منافعی در پشت پرده سیاست چشم پوشی بر گسترش ویروس کرونا در مراحل اولیه در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. در این رابطه این فقط دولت ایران نبود که در رابطه با وجود کرونا دروغگوئی پیشه کرد؛ اکثر کشورها از ترکیه تا اتحادیه اروپا و امریکا و روسیه حقیقت را با مردم در میان نگذاشتند و با این کار اجازه دادند که کرونا به طور وسیع جوامع را آلوده کرده و به جوامع دیگر نیز راه یابد. یکی از دلایل عقب انداختن اعلام قرنطینه اجباری مسأله کم کردن بودجه و پرداختی های دولتی در شرایط اضطراری می باشد. اعلام قرنطینه اجباری؛ باعث شده است که دولت ها برای انجام آن مجبور به

تأمین حداقل‌هایی از زندگی افراد بشود. از جمله تأمین مواد غذایی، قبول عقب افتادگی قروض به بانکها و دولت، تأمین مایحتاج عمومی، پرداخت وام‌های بزرگ برای تأمین موقت درآمد و جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌های کوچک و بزرگ اقتصادی، تأمین بودجه‌های اضافی برای بهداشت و خدمات مربوط به آن از جمله استخدام هزاران پزشک و پرستار و.....

دولت‌هایی که بر سر ریال به ریال و سنت به سنت حقوق کارگران تبلیغات کرکننده‌ای را تحت عنوان «کمبود بودجه عمومی» و «افزایش دستمزد به تورم می‌انجامد» و غیره به راه می‌اندازند؛ ناگهان بدون هیچ‌گونه مشکلی میلیارد‌ها دالر پول را به جامعه، تحت عنوان کمک‌های بشردوستانه و کمک به مردم در بیکاری گسترده‌ای که به راه افتاده، تزیق می‌کنند. این دست و دلبازی دولتمران و بورژوازی به این خاطر است که سرمایه‌راکد را به جای نابود کردنش به دست مردم می‌سپارند تا اولاً بعداً پس بگیرند و در ثانی با خرید مردم، پول دوباره در گردش قرار گیرد و ارزش اضافه تولید کند.

نکات دیگری هم در این میان بدون جواب مانده است. بیشترین مرگ و میر در بین سنین بالای ۶۵ سال (سن بازنشستگی) و در امریکا به علاوه همچنین در بین سیاهپوستان اتفاق افتاده است. آیا این هم اتفاقی است؟ با دقت می‌توان به نتایج جالبی رسید. ۶۵ سال سن بازنشستگی در اکثر جوامع اعلام شده است. کسانی که به ۶۵ سالگی می‌رسند به علت عدم توان کار از کمک‌های دولتی استفاده می‌کنند و در واقع از بخشی از ارزش اضافی که طی سالیان دوران گذشته زندگی در خدمت سرمایه‌داری ایجاد کرده است برداشت می‌کنند. مرگ و میر این دسته از افراد که این بار عمدتاً در خانه‌های سالمندان روی داده است؛ سرمایه‌داری را از بازگرداندن بخشی از این ارزش اضافی به عنوان حقوق بازنشستگی نجات می‌دهد و پول‌های هنگفتی را به خزانه دولت باز می‌گرداند. بورژوازی مسئولیت خود را از نیروی کار اضافی که نتواند ارزش اضافی تولید کند بر می‌دارد.

کرونا تحولاتی را در زندگی کل جوامع حتی به صورت موقت به وجود آورده است از جمله تجربه زندگی اجباری در خانه به صورت قرنطینه، عدم ارتباط با دیگران در دنیای واقعی و نه مجازی، دوری از محیط اجتماعی، تعطیلی بخش‌های بزرگی از جوامع، کم شدن آلودگی‌های زیست محیطی، نزدیک شدن خانواده‌ها از یک طرف و در برخی بسیار کمتری موارد رشد اختلافات درون خانوادگی، ایجاد رسمی گورهای دسته جمعی و...

از طرف دیگر ضعیف شدن کمک‌های متقابل و تکیه به ساختارهای دولتی، کاهش دادن قدرت خرید و وابستگی بخش‌هایی از کارگران و مزدگیران به حقوق و کمک‌های دولتی، توقف طرح‌های عمرانی، بیکاری طبقه کارگر در سطوح میلیونی در جامعه و بالاخره باز شدن دست دولت و نیروهای نظامی در کنترل بیشتر بر جوامع و دست‌درازی بر روی امکانات و خدمات اجتماعی افراد جامعه و به عقب انداختن اعتراضات اجتماعی در ادامه تحولات و فشار به کارگران می‌باشد.

ویروس کرونا ارتجاعی بودن بسیاری از ایده‌های کهن مذهبی و خرافی را بیشتر از پیش در ذهن بشریت عیان ساخت و ارتجاعی بودن آنها را نشان داده است. میلیون‌ها نفر از مردم جهان با استفاده از آنلاین‌ها مذهب و ایده‌های خرافی و سنت‌های عقب مانده را به نبرد فرا خوانده‌اند. علم در این مبارزه بشری علیه ویروس کرونا پیروز و مذاهب با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو گشته است.

آنچه که روشن است جهان بعد از کرونا جهان متفاوت تری که برخوردار از رفاه و آسایش عمومی که انتظار بشریت هست نخواهد بود؛ مگر این که طبقه کارگر و جنبش‌های مترقی قادر به تأثیرگذاری مستقیم بر جامعه و فرودستان

جامعه شوند. در غیر این صورت با توجه به نکات زیر سرمایه داری می تواند عرصه را بر مبارزات و خواست های کارگران و زحمتکشان جامعه تنگ تر کند.

۱ – جهان بر اساس مالکیت خصوصی و طبقاتی همچنان به زندگی خود ادامه می دهد.

۲ – ویروس کرونا اساساً مردم زحمتکش و فقیر جوامع را که از امکانات کمتر اجتماعی و به ویژه بهداشتی برخوردارند هدف قرار داده است.

۳ – تحت حاکمیت کنونی سرمایه داری، کرونا نه تنها زندگی طبقات متعلق به کار و زحمت را بهبود نمی بخشد بلکه آنها را بیش از پیش به اسارت سرمایه در خواهد می آورد.

۴ – از امروز نیروهای جلوی جبهه مبارزه علیه ویروس کرونا از کادرهای درمانی و پزشکی تا آنهایی که در شرایط سخت در گورستانها کار می کنند اعتراضات خود را شروع کرده اند. آنها مانند سربازانی، مدافع انسانی هستند، که اگر در میدان جنگ و مورد حمله بودند؛ بورژوازی و دولت ها وسایل جنگی را از آنها دریغ نمی کرد. ماسک نیست، دستکش، مواد ضد عفونی، دستگاههای تنفس مصنوعی، تخت های بیمارستانی کافی و... نیست. تا به حال صدها تن از پزشکان، پرستاران و نیروهای بخش های بهداشتی و درمانی در اقصا نقاط دنیا به علت حرص و طمع حاکمان و نداشتن وسایل کافی در ابتلاء به بیماری کرونا در گذشته اند.

۵ – کارگران در بخش های تولیدی خواهان توقف تولید و استفاده از امکانات و مقررات اجتماعی هستند که در رابطه با ویروس کرونا برقرار شده است. شرکت های تولیدی صنعتی مجبور شده اند که بخش کوچکی از درگذشتگان نیروی کار خود را علنی کنند. اعتراضات در این بخش ها با توجه به شرایط اجتماعی در سطوح مختلف ادامه دارد. برخورد دوگانه بورژوازی به نیروی کار هر چه بیشتر چشم و گوش کارگران را به اهداف سودجویانه و استثمارگرانه سرمایه باز کرده است. فروشگاههای بزرگ و زنجیره ای ناشی از ترس و وحشتی که از طریق مדיاهای ملی و بین المللی به راه افتاده است؛ ناگهان خالی شدند. بعد از چند هفته که از این اتمسفر سردرگمی گذشته است و بسیاری اجناس کمیاب شدند؛ همین فروشگاهها آنها را با قیمت های بالای ۳۰ تا ۴۰ درصد گرانتر به فروش می رسانند. کرونا محملی برای خالی کردن بیشتر جیب مزدگیران جامعه از طرف سرمایه داری شده است.

با این حال همین صنایع انحصاری کمک های بلاعوض میلیونی و میلیاردی از طرف دولت ها دریافت می کنند تا ظاهراً قادر باشند حقوق کارگران خود را پرداخت کنند. این دیگر کلاه گذاشتن نیست این زدو بند و غارت بودجه های عمومی است. در حالی که حقوق کارگران نسبت به تورم و سبدهای معیشتی به صورت بسیار ناچیزی اضافه شده است که جبران تورم را به هیچ وجه نمی کند. کرونا بهانه ای برای فشار بیشتر، سود و استثمار بیشتر طبقه کارگر شده است.

۶ – تکنولوژی و استفاده از ابزارهای صنعتی پیشرفته که قبل از کرونا در حال درنوردیدن تمامی صنایع جهان و حضور در زندگی و روابط انسانی بود با شدت بیشتری به این روندها ادامه می دهد. به طور مثال در کانادا و برخی کشورها پزشکان در مطب های خود در حالت عادی بیماران را ویزیت نمی کنند و آن را از طریق تلفون و اپلیکیشن های اینترنتی انجام می دهند. خرید کالاها که مدتی از طریق اینترنت شروع شده است به خریدهای اولیه زندگی مانند مواد غذایی و... راه یافته است. این روند که قبلاً شروع شده است با بحران جدید و تعطیل شده بسیاری از بخش های جامعه نقش بسیار پررنگ تری یافته است.

کارگران و نیروی کار با تکامل تکنولوژی نه تنها نقش کمرنگ تری ایفاء نکرده و نخواهند کرد؛ بلکه نیروی کار هر چه بیشتر به طرف تخصص و مهارت های بالای علمی برای اداره جامعه می رود. این روند در آینده هم نمی تواند مسأله

مالکیت خصوصی و تضاد آن را با کارگران حل کند. فقط انقلاب اجتماعی که به سرنگونی سرمایه‌داری بینجامد قادر به حل این تضاد خواهد بود.

طبقه کارگر ایران در سالی که گذشت: این واقعیت را نباید فراموش کرد که سال گذشته یکی از سالهای سخت برای کارگران و زحمتکشان کشور بود. سال گذشته با سیل و ویرانی خانه‌ها و جاده‌هایی که به دست کارگران ساخته شده بود شروع شد. تورم و رشد افسارگسیخته قیمت‌ها، تعطیلی بیشتر کارخانجات و واحدهای تولیدی به همراه دزدی‌های بیشتر از صندوق‌های مالی کشور از بانک‌ها و موسسه‌های مالی کناری آنها، گران شدن دالر، رشد بیکاری و تنش‌های شدید با امریکا و تحریم‌های بیشتر اقتصادی، کشمکش‌های خاورمیانه که به درگیری‌هایی در خلیج فارس و عراق با امریکا منجر شد. کشتن قاسم سلیمانی، راکت پرانی به پایگاه‌های امریکا، سرنگونی هواپیمای اوکراین از جمله پی آمدهای این درگیری بود. بار مالی و اقتصادی آن را مزدبگیران و به ویژه کم درآمدها به دوش کشیدند. در عین حال با تورم لجام گسیخته سال ۱۳۹۸ دستمزدها زیر خط فقر بیشتری رفته است و فشار اقتصادی حتی اجازه تهیه اقلام اولیه غذایی را برای خانواده‌های کم درآمد بسیار سخت و گاهی غیر ممکن کرده است. قیمت گوشت آنچنان افزایش یافته است که در برخی خانواده‌ها از لیست تغذیه حذف شده است. در بسیاری از فروشگاه‌ها می‌توان فراوانی کالاها را مشاهده کرد، اما پولی برای خرید در بین مردم نیست و حتی خانواده‌های متوسط شهری هم در خریدهای روزمره دچار کمبودهای مالی هستند. فشار اقتصادی و گرانی جامعه را به حد انفجار رسانده است. رهبر رژیم اسلامی خامنه‌ای در پیام خود همچون گذشته به عوام‌فریبی و دروغ متوسل گردید و خواهان جهش تولید شد آنها در شرایطی که سیاست‌های این رژیم باعث تعطیلی صدها واحد تولیدی و هزاران هکتار از زمین‌های کشاورزی و ویرانی محیط زیست شده است.

دولت برای تحمیل سیاست‌های بشدت ارتجاعی‌اش به مردم، بنزین را سه برابر گران کرد. مردم به جان آمده بار دیگر به خیابان‌ها آمدند و بگیر و ببندها شروع شد بسیاری از فعالان سیاسی از جنبش‌های مختلف زنان، کارگران، پرستاران، معلمان و کسانی که اموالشان به یغما رفته است و دانشجویان دستگیر و در سیاهچال‌های رژیم شکنجه و کشته شدند. با اینحال اعتراضات ادامه یافت. سال گذشته اعتصابات و اعتراضات همچنان در کارگاه‌ها و کارخانجات ادامه داشت. سرکوب‌های شدید و بحران اقتصادی و امنیتی تر شدن جامعه موانعی برای باز تاب وسیع این اعتصابات بود. با این حال اعتصاب کارگری از جمله کارگران هپکوی اراک، کارگران هفت تپه، کارگران شهرداری‌ها و..... علیه عقب افتادگی حقوق و اخراج‌ها ادامه یافت. جنبش آبانماه [عقرب] ۹۸ که در ادامه جنبش دیماه [جدی] ۹۶ بود؛ در بسیاری از زمینه‌ها از جمله سازماندهی و شعارها نسبتاً خوب جمع بندی شده بود و منسجم تر عمل کرد. روند اوضاع ناتوانی سرمایه داری را برای پاسخگویی به وضعیت ناهنجار و نا عادلانه کنونی بروشنی نشان داده است.

روشن است که در مبارزه به خاطر سلامت و رفاه، جامعه سوسیالیستی برنامه و عملکردهای روشنی دارد. از جمله بهداشت و تحصیل رایگان، کار و مسکن برای همه، برابری همه در برابر قانون و.....

در مبارزه طبقاتی بین کارگران و سرمایه‌داری؛ رژیم جمهوری اسلامی یک جانب قضیه است. جانب دیگر طبقه کارگری است که دارای تجربیات زیادی از مبارزه و سازماندهی و درک خواست‌های مترقی خود است که هر روزه با بحران بیشتر به جلو صحنه مبارزات طبقاتی و حل نهائی آن می‌آید. طبقه کارگر با تمام تبلیغات بورژوازی و وعده و وعیدهای آن مرزهای روشنی را ترسیم کرده است. جامعه طبقاتی باید از زندگی اجتماعی حذف و جامعه آینده باید خالی از ستم و استثمار و کشت و کشتار و دروغ و فریب مردم باشد. دست به دست شدن قدرت و سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هنوز جواب دردها نیست. آلترناتیوهای بورژوائی از جمله سلطنت طلبان و مجاهدین و ترامپیست‌ها

برای سوء استفاده از اعتراضات بحق کارگران به استثمار و نا عدالتی، صف کشیده اند. اما جواب طبقه کارگر این است: جامعه نابرابر و ناعادلانه کنونی هیچ بدیلی به غیر از سوسیالیسم ندارد.